



## تذكرة الملوك

این کتاب سودمند را که از نفائس کتابخانه سلطان عبدالحمید بوده و سال ۱۹۲۴ مسیحی بملکیت کتابخانه موزه بریتانیا در لندن در آمده ، ولادمیر مینورسکی استاد ادبیات فارسی در دانشگاه لندن و صاحب تالیفات متعدد در تاریخ ایران و اسلام ، بچاپ رسانیده و ترجمه انگلیسی و حواشی مفیده بر آن افزوده است. این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی راجع بیادشاهان صفوی و مناصب و وظائف امراء و اوضاع سیاسی و اداری و اجتماعی آن عصر میباشد. تالیف آن در حدود ۱۱۴۵ هجری قمری انجام یافته و نام مولف در آن یاد نشده است. نسخه اصل بخط نسخ خوانا کتابت شده و متن حاضر نیز از روی اصل عکس برداری گردیده است و عبارات نارسا و اغلاط کتابت چندی در آن دیده میشود. برای استفاده خوانندگان جزئی از آن در این شماره چاپ میشود

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي دلنا على قواعد الرشاد وهدانا الى ضوابط السداد والصلوة والسلام على اشرف البريات وفضل اهل الارض والسموات محمد وآله واصحابه الذين بموالاتهم تقبل الصلوات وبيروكاتهم تستجاب الدعوات .

و بعد این خلاصه ایست مسما بتذكرة الملوك که مشتملست بر دستور العمل خدمت هریک از باب مناصب در گاه معلی موافق از منته سلاطین صفویه که در این وقت حسب الامر الاعلی بطریق اجمال و استعجال بموقف عرض میرسد ، محتویست بر پنج باب و خاتمه.

باب اول در بیان شغل ملا باشی و اهالی شرع دار السلطنه اصفهان و این باب مشتملست بر پنج فصل : فصل اول در بیان شغل ملا باشی : مشارالیه سر کرده تمام ملاها و دراز منته سابقه سلاطین صفویه ملا باشیگری منصب معینی نبود بلکه افضل فضالی هر عصری در معنی ملا باشی در مجلس پادشاهان نزدیک بمسند مکان معینی داشته . احدی از فضلا و سادات نزدیکتر از ایشان در خدمت پادشاهان نمی نشستند و ایشان بغیر از استدعاء و وظیفه بجبهه طالب علمان و مستحقین و رفع تعدی از مظلومین و شفاعت مقصرین و تحقیق مسائل شرعیه و تعلیم ادعیه و امور مشروعه بهیچ وجه بکار دیگر دخل نمیکردند و در اواخر زمان شاه سلطان حسین میر محمد باقر نام فاضلی با آنکه در فضیلت از آقا جمال همعصر خود کمتر بود بر تبه ملا باشی گری سرافراز و بتقریب مصاحبت مدرسه چهارباغ را بنا گذاشته خود مدرس مدرسه مذکور گردید و داد و ستد و جوهرات حلالرا نیز مینمود و وجوه بروتصدقات را پادشاه نزد او میفرستاد که بمستحقین رساند و بعد از فوت او ملا محمد حسین نامی ملا باشی شده و بغیر از تدریس مدرسه مزبور به سایر اموری که ملا باشیان آنرا مرتکب بودند قیام و اقدام داشت .

فصل دوم در بیان شغل صدارت خاصه و عامه . مجتملاً لازمه منصب مطلق صدارت تعیین احکام شرع و مباشرین اوقاف تفویضی و ریش سفیدی جمیع سادات و علما و مدرسان و شیخ الاسلامان و پیش نمازان و قضاة و متولیان و حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و

بقاع الخیر و وزرای اوقاف و نظار و مستوفیان و سایر عمله سرکار موقوفات و محرران و غسالان و حفاران با اوست و دیوان احداث اربعه را که عبارت از قتل و ازاله بکارت و شکستن دندان و کور کردنست. و عالیجاه دیوان بیکی بدون حضور صدور عظام نمیرسد و حکام دیگر شرع را مدخلیت در احداث اربعه نیست و امور شرعی سرکار فیض آثار متعلق و مختص عالیجاه صدر خاصه است و صدر ممالک را مدخلیتی در آن نیست و مجملی از شغل مختصه هر یک بدین موجبست عالیجاه صدر خاصه روزشنبه و یکشنبه با دیوان بیکی در کشیکخانه عالی قابو بدیوان می نشینند و در محال ایران حکام شرع یزد و ابرقوه و نائین و اردستان و قومه و نطنز و محلات و دلچیان و خوانسار و برورد و فریدن و راو مزدج و کیار و چالپق و جرفادقان و کمره و فراهان و کاشان و قم و ساوه و مازندران و استرآباد و کرابلی و حاجیلر و کیود جامه را صدر خاصه تعیین و امور متعلق بصدر خاصه را در ولایات مفصله مذکور فایب الصداره و سایر مباشرین صدر خاصه متوجه میشده اند. عالیجاه صدر ممالک صاحب اختیار تعیین حکام شرع و مباشرین موقوفات از مزارات و مدارس و مساجد و غیرهم از کل ممالک محروسه از آذر بایجان و فارس و عراق و خراسان میباشد سوای آنچه در تحت اسم صدر خاصه تفصیل یافته با صدر ممالک است و در بعضی از منته سلاطین صدارت خاصه و عامه با یک شخص بوده مجملاً عزل و نصب مباشرین موقوفات اگر تفویضی بوده باشد بصدر خاصه و عامه متعلق است و اگر شرعی باشد هیچ یک از حکام شرع و صدور را مدخلیتی در آن نیست بلکه شرعاً هر کس را اوقاف و اوقاف متولی و صاحب اختیار قرار داده باشد مباشر خواهد بود و تغییر آن مخالف شریعت مقدسه نبویست.

فصل سوم در بیان شغل قاضی دار السلطنه اصفهان دستور آن بود که قاضی اصفهان بغیر از جمعه دو خانه خود بتشخیص دعاوی شرعیه مردم موافق قانون شریعت عزو ملت بیضامیرسید و ضبط مال غائب و یتیم را بعد از زمان شیخ جعفر قاضی بهر کس قاضی اصفهان میشد رجوع مینمودند و هر دعوائی را که قاضی حکم شرعی آنرا مینویسد دیوانیان اجرا و حق را بمن له الحق میرسانند. فصل چهارم در بیان شغل شیخ الاسلام دار السلطنه اصفهان. مشارالیه در خانه خود بدعواهای شرعی و امر معروف و نهی از منکرات میرسید و طلاق شرعی را در حضور شیخ الاسلام میدادند و ضبط مال غائب و یتیم اغلب با شیخ الاسلام بود و بعد از آن بقضاة رجوع شد.

فصل پنجم در بیان شغل قاضی عسکر در قدیم الایام قاضی عسکر در کشیکخانه دیوان بیکیان بحکم شرعی عساکر منصوره میرسیده و بعد از آنکه صدر در اصفهان تعیین و مقرر شد که دیوان بیکی در حضور صدر بمرافعه شرعیه عبادالله رسد، آمدن قاضی عسکر بکشیکخانه دیوان بیکی متروک و شغل قاضی عسکر در اواخر زمان سلاطین صفویه منحصر بآن شد که عساکر نصرت متأثر سواد ارقام تنخواه موجب خود را که بممالک محروسه میفرستادند بمهر قاضی عسکر میرسانیدند و مادام که سواد ارقام تنخواه موجب قشون بمهر قاضی عسکر نمیرسید بیگلر بیگان و حکام ولایات سواد مزبور را اعتبار و اعتماد نموده تنخواه نمیدادند. باب دوم. در منصب هر یک از امراء عظام که لفظ عالیجاه مختص بایشان است و آن مشتملست

بریک مقدمه و چهارده فصل. مقدمه : در بیان تفضیل امراء باید دانست که امراء ایران مطلقاً بر دو نوع میباشند. نوع اول امراء غیر دولت خانه که ایشان را امراء سرحد مینامند و این نوع بر چهار قسم است. اول ولات. دوم بیگلر بیگان. سوم خوانین. چهارم سلاطین. اما ولات در مرتبه و منصب و اعتبار زیاده از بیگلر بیگان میباشند و رتبه بیگلر بیگان زیاده بر خوانین و در هر سرحدی که بیگلر بیکی نشین است جمعی که در حوالی و اطراف مملکت او حاکم میشوند تابع و قول بیکی بیگلر بیکی همان سمت و بعرض بیگلر بیکی معزول و منصوب میگردند و باین نسبت سلطانهای هر سرحدی تابع خوانین همان سرحد میباشند و والی در ممالک ایران چهار قسم است که اسامی هر یک موافق اعتبار و شرف و ترتیب نوشته میشود. اول والی عربستان که باعتبار سیادت و شجاعت و زیادتی ایل و عشیرت از والیهای دیگر بزرگتر و عظیم الشان تر است و بعد از آن والی لرستان فیلی است که باعتبار اسلام اعزاز والی گرجستانست و ولات گرجستان متعلقه بایران گرجستان کاریتل و کاخت و تقلیس است و بعد از مرتبه والی گرجستان و الی کردستانست که سندیج محل سکنای ایشان میباشد و بعد از او حاکم ایل بختیاری و در قدیم الایام کمال اعزاز و احترام داشته اند. اما بیگلر بیگان عظیم الشان ایران سیزده است. اول قند هار دوم شیروان سوم هرات چهارم آذر بایجان پنجم چخور سعد ششم قراباغ و گنجه هفتم استراباد هشتم کوه کیلویه نهم کرمان دهم مروشاهی جهان یازدهم قلمرو علی شکر دوازدهم مشهد مقدس معلی سیزدهم دارالسلطنه قزوین. نوع دوم در ذکرا امراء در دولت خانه مبارکه که همگی در درگاه جهان پناه شاهی حاضر و هر یک بمنصب مختصی سرافراز میباشند که غرض از تسوید این رساله ثبت شغل مختص هر یک از ایشان و سایر ارباب مناصب اصفهان میباشد. اولاً باید دانست که امراء در دولتخانه چهار نفر ارکان دولت قاهره می نامند. اول قورچی باشی دوم قوللر آقاسی سیم ایشیک آقاسی باشی چهارم تفنکچی آقاسی و این چهار نفر با وزیر اعظم و دیوان بیکی و واقعه نویس که مجموع هفت نفر میشوند از قدیم الایام داخل امراء جاققی بوده اند و در اواخر زمان شاه سلطنت حسین در چند مجمع ناظر و مستوفی الممالک و امیرشکار باشی داخل شدند و اگر جاققی بخصوص فرستادن سپه سالار باسمتی از اطراف ممالک محروسه باشد حضور سپه سالار در مجمع جاققی شرط است.

فصل اول از باب دوم در بیان تفصیل شغل وزارت اعظم عالیجاه وزیر اعظم دیوان عالی و اعتماد الدوله ایران عمده ترین ارکان دولت و قاطبه امراء درگاه معلی و سرحدات ولایات ممالک محروسه و دادوستد کل مالیات دیوانی و وجوهات انفادی خزانه عامره و غیره بیوتات از کل ممالک ایران و دارالسلطنه اصفهان بدون تعلیقه و امر عالیجاه معظم الیه دادوستد نمیشود و ارقام تعیین مناصب و ضمن کل ارقام البته باید اولاً بمهر عالیجاه معظم الیه رسیده ثانیاً بمهر مهر آثار اقدس عالی مزین گردد و باید در توفیر و تکثیر مالیات دیوانی و ضبط کل وجوهات ممالک محروسه و انفادات نهایت اهتمام نموده اگر احدی از قانون حق و حسات و امور مستمره و معمول مملکت و ضابطه حقانیت تخلف و تجاوز نماید ممنوع و اگر امراء و ارکان دولت قاهره

در ارتکاب امر خلاف قاعده بامرونی او ممنوع و متقاعد نکردند بخدمت بندگان قبله عالمیان عرض و بد آنچه امر اقدس شرف صدور یا بد از آن قرار معمول دارد، و جمعی که ملازم دیوان میشوند اگر رقم بالمشافهه صادر نشده باشد و ریش سفیدان هر طبقه عرض نموده باشند مادام که تعلیقه وزیر اعظم نرسد رقم خدمت و ملازمت داده نمیشود و اگر رقمی بر ساله احدی از مقرران نوشته شود مادام که ضمن رقم بمهر وزیر اعظم نرسد بمهر مهر آثار مزین نمیگردد و خدمات جزئی و تعیین کتاب دفترخانه همیون و خاصه و عملاً بیوتات معموله که قابل عرض بخدمت اقدس نباشد از قرار تعلیقه عالیجاه وزیر دیوان اعلی بر طبق تجویز عالیجاهان مستوفی الممالک و ناظر بیوتات و مقرب الخاقان مستوفی خاصه صادر شده باشد رقم ملازمت و خدمت داده میشود و موقوف بعرض اقدس نیست و نسخجات محاسبات عمال و مودیان حساب دیوانی کل ولایات از بیکلر بکیان و حکام و سلاطین و وزرا و تحویلداران جزو کل و متصدیان و ضابطان و غیر هم بعد از تعلیقه عالیجاه معظم الیه دفتری و مستوفیان عظام محاسبه مشخص و مفصلاً حساب میدهند و اگر نقصانی و کسری در مالیات دیوانی بجهتی از جهات حساسیه بهم رسد که در خدمت وزیر اعظم مودیان حساسیه موجه و محکوم به نمایند بجهة تحصیل دعای خیر و ترفیه حال رعایا و آبادی مملکت چنانکه جمع قدیم را جبر و ادعای نقصانرا حساسی دانند تعلیقه تخفیف داده کتاب دفترخانه دیوان اعلی و خاصه شریفه بتعلیقه وزیر اعظم مستند و بهمان شرح در دفاتر خلود ثبت و بتقصان عمل مینمایند و کشیکخانه در دولت خانه را بجهة دیوان وزراء اعظم بنا گذاشته اند که عامه خلایق واجب العرض خود را بخدمت وزراء اعظم عرض توانند نمود و همچنین نسخجات دیوانی و اسناد خرج دفتری و مفصای صاحب جمعان و تحویلداران و تحصیلداران و تعلیجات مناصب جزو کل بمهر وزراء اعظم رسیده بد آنچه مقرر دارد معمول میدارند و امراء هر يك بترتیب موافق رتبه منصب خود در کشیکخانه بدستور مجلس بهشت آئین در پهلوی یکدیگر می نشینند و بغیر از امراء و ارباب مناصب و مستوفیان عظام و خوانین عظیم الشان و وزراء و صاحب رقمان دیگر کسی در کشیکخانه معمول نیست که بنشینند.

فصل دوم از بات دویم در بیان تفصیل شغل رکن السلطنة القاہرہ عالیجاه قورچی باشی است: مشارالیه عمده ترین امراء ارکان دولت باہرہ و ریش سفید قاطبہ ایلات و اوباقات ممالک محروسہ و تیول و ہمہ سالہ و تنخواہ قاطبہ قورچیان ملازم دیوان بعد از تصدیق و تجویز عالیجاه قورچی باشی بر رقم وزیر دیوان اعلی رسیده تنخواہ بازیافت و خدمت ایالت و حکومت و سلطنت و یوز باشی گری و تیول و مواجب قاطبہ قورچیان بر طبق عرض قورچی باشی و تعلیقه وزراء اعظم شقت میشده و امور متعلق بقورچیان را ریش سفید سرکار مزبور که عالیجاه قورچی باشی است بحقیقت رسیده قطع و فصل میداده و قورچی باشیان عمده ترین ارکان دولت قاہرہ اند و ارقام و احکام ملازمت و مواجب و تیول ہمہ سالہ و انعام جماعت مذکورہ هر کدام که در سلك قورچیان عظام منتظم باشند بطرف او مهر عالیجاه مشارالیه میرسیده و نسخه سان قورچیان را وزیر و مستوفی سرکار مزبور در خدمت اشرف در حضور عالیجاه معظم الیه بمعرض عرض میرسانیدند و عالیجاه مذکور از امراء جاتیقی است.

نا تمام